

تأثیر خطبه‌های نهج‌البلاغه بر تدوین سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی با رویکرد فقه حکومتی

چکیده

نهج‌البلاغه، به عنوان یکی از متون اصیل اسلامی، که بعد از قرآن حاوی بزرگ‌ترین دستورات زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشریت در ابعاد مختلف به ویژه در عرصه سیاست است؛ دربردارنده‌ی آموزه‌های ارزشمندی است که می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های تربیتی در یک نظام اسلامی باشد. در این راستا برای بررسی صحیح مبحث تربیت سیاسی از دریای بیکران معارف امیرالمومنین(ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه بهره‌مند خواهیم گشت؛ در این مقاله که توصیفی-تحلیلی بوده و با روش کتابخانه‌ای تهیه و تدوین گردیده برآن است که ابتدا به بررسی تعریف تربیت و سیاست و فقه حکومتی پرداخته سپس ویژگی‌های تربیت سیاسی را با استفاده از کلام امیرالمومنین(ع) بازگو نموده، حضرت امیر(ع) به پیوستگی دو حوزه دین و سیاست اعتقاد عمیق دارند؛ چرا که سیاست به عنوان وسیله^۱ای برای تحقق بخشیدن به اهداف متعالی دین در ابعاد مختلف است. سخنان امام علی(ع) در سراسر نهج^۲البلاغه حاکی این مطلب است که ایشان سیاست اصلی حکومت خویش را بر مبنای تربیت سیاسی و اخلاقی بنا نهاده و حاکمیت را نه سلطه^۳گری که مسئولیت و امانت الهی می^۴دیدند. مسئله اصلی پژوهش، تأثیر خطبه‌های نهج‌البلاغه، اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه در نظام اسلامی با رویکرد فقه حکومتی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌توانند به عنوان مبانی اخلاقی، اجتماعی و دینی سیاست‌های تربیتی اسلامی مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، سیاست‌های تربیتی، اسلامی، فقه حکومتی

۱. مقدمه

نهج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که به دلیل عمق معانی و آموزه‌های ارزنده‌اش، از اهمیت بالایی در میان منابع اسلامی برخوردار است. این کتاب نه تنها به عنوان یک منبع غنی در زمینه‌های اخلاقی و تربیتی شناخته می‌شود، بلکه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به عنوان مرجعی اساسی مورد توجه است. در یک نظام اسلامی که هدف آن تربیت انسان‌های متعهد به اصول و ارزش‌های اسلامی است، نهج البلاغه می‌تواند به عنوان یک منبع اساسی در تدوین سیاست‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله با هدف بررسی تأثیر خطبه‌های نهج البلاغه بر سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی، با تأکید بر رویکرد فقه حکومتی تدوین شده است.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. تعریف تربیت

واژه «تعلیم» از «ربو» به معنای افراط گرفته شده است. «ربا الشیء»: ای زاد و نما به معنای زیاد و رشد کرد» (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۴: ۳۰۴). با توجه به این معنا و مفهوم در بحث تربیت انسان، مفهوم و کلمه تربیت به پرورش استعدادهای انسان، یعنی زمینه سازی برای شکوفایی استعدادهای انسان اشاره دارد.

تعریف تربیت در اسلام:

به معنای پرورش و رشد همه جانبه انسان در جهت دستیابی به کمال انسانی و سعادت اخروی است. در اندیشه اسلامی، تربیت نه تنها به بعد فردی انسان بلکه به ابعاد اجتماعی و معنوی او نیز توجه دارد. از دیدگاه اسلام، تربیت باید بر اساس فطرت الهی انسان و با تأکید بر تقویت ایمان، اخلاق و علم انجام شود. هدف نهایی تربیت در اسلام، پرورش انسان‌هایی است که در برابر خداوند مسئولیت پذیر باشند و در زندگی فردی و اجتماعی خود، به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند باشند.

راغب اصفهانی در این باره می نویسد: «ربیت» از کلمه «ربو» است و گفته اند از مضاعف «رب» سرچشمه می گیرد، به گونه ای که یک حرف مضاعف (حرف با) برای تقلیل به «یاء» تبدیل شده است؛ مانند «تظننت» که برای تخفیف به «تظنیت» تبدیل شده است» (راغب الاصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۸۷). «در نهج البلاغه این کلمه به همان معنی پرورش و رشد است، حضرت علی (علیه السلام) انصار را می ستاید و آنان را پرورش دهندگان و مروج اسلام معرفی می کند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸).

«هم والله ربوا الاسلام كما يربي الفلو مع غنائهم بايدهم السباط و السنتهم السلاط»: «به خدا قسم اسلام را پرورش دادند؛ چونان مادری است که فرزندش را با مال بزرگ می کند. با دستهای بخشنده و زبان های برنده و فصیح (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۷۳۹).

علمای معارف اسلامی نیز تعاریفی از تعلیم و تربیت ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود: تعلیم و تربیت تلاشی است که به منظور تربیت فرزندان خردسال در مرحله خاصی از زندگی آنها صورت می گیرد (شریف القریشی، ۱۳۸۱). «تعلیم و تربیت در اصطلاح به معنای کوشش برای ایجاد تحولی مطلوب در انسان

و رساندن تدریجی و مستمر او به کمال است. (قائمی، ۱۳۶۲). «خداوند را یگانه پروردگار انسان و جهان دانستن و پروردگار خود را برگزیده و در برابر ربوبیت او تسلیم و ربوبیت دیگران را نپذیرفتن» (باقری، ۱۳۷۰: ۳۸۶). تربیت یا پرورش توانایی‌های انسان به این معناست که زمینه‌ای باشد که به تدریج استعدادها و شکوفا شود و به کمال برسد.

۲-۲. فقه حکومتی و نقش آن در تربیت

فقه حکومتی شاخه‌ای از فقه است که به بررسی و تبیین احکام و قواعد اسلامی مرتبط با مدیریت و حکمرانی جامعه می‌پردازد. در فقه حکومتی، وظایف حاکم اسلامی و سیاست‌های مورد نیاز برای اداره جامعه بر اساس شریعت بررسی می‌شود. از این رو، فقه حکومتی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در تدوین سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی مطرح است. این رویکرد با تأکید بر اجرای احکام اسلامی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، به تربیت شهروندانی که به اصول و ارزش‌های دینی پایبند هستند، کمک می‌کند.

۲-۳. تعریف سیاست

در لغت نامه دهخدا به نقل از منابع متعدد می‌نویسد: «سیاست: داشتن مال، حفظ، نگهبانی، حکومت بر رعایا، حکم و قضاوت» (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ اما این واژه بیشتر در متون قدیم و جدید ادبیات فارسی در دو معنای «مجازات» و «امور اداری کشور» به کار رفته است.

ولایی در تعریف سیاست می‌گوید: «سیاست عبارت است از تلاش برای اصلاح مردم از طریق هدایت آنان به گونه‌ای که موجب رهایی و رستگاری دنیا و آخرت آنان شود» (ولایی، ۱۳۷۷: ۹). سیاست در نگاه امام علی (ع)، مدیریت پایدار جامعه بر اساس موازین الهی و حرکت صالح است و بر اساس آموزه‌های حضرت علی (ع)، سیاست، دانش و کارآمدی ابزار مشروع اداره و تامین سعادت مادی و معنوی جامعه است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

۲-۴. تعریف تربیت سیاسی

در تعریف تربیت سیاسی بین صاحب نظران تفاوت وجود دارد؛ به عنوان مثال، آموزش سیاسی فرآیندی تلقی می‌شود که از طریق آن افراد جهت‌گیری سیاسی خود را نسبت به جامعه کسب می‌کنند. از نظر آنها تربیت سیاسی فرآیندی است که از طریق آن ارزش‌های سیاسی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (علاقه بند، ۱۳۷۵). یکی از مهمترین سازوکارهای آموزش ملی، تربیت سیاسی است. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، آمادگی افراد جامعه برای مشارکت فعال و همگانی در زندگی سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و آشنایی مردم با حقوق فردی و اجتماعی است (قلی پور ثانی، ۱۳۸۰).

علیخانی معتقد است: تربیت سیاسی یعنی طرز تفکر و تحلیل مسائل با استفاده از اطلاعات متغیر، روش طرح افکار و اندیشه‌های سیاسی، روش شنیدن و تحمل نظرات مخالف، پرهیز از مطلق گرایی و تعصب در حوزه اندیشه سیاسی (علیخانی، ۱۳۸۲: ۱۱). تربیت سیاسی در نهج البلاغه به معنای مجموعه اقدامات و روش‌های استخراج شده از نهج البلاغه (مجموعه فرمان‌ها و دستورات سیاسی، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها) است. به منظور رشد و پرورش استعدادها و زنده و فعال در عرصه‌های سیاسی محلی، ملی و جهانی؛ بنابراین می‌توان گفت تربیت سیاسی یعنی تربیت افراد آگاه، شایسته و متعهد؛ افرادی که خود را در برابر خدا و خلق خدا

مسئول می دانند؛ در اداره و سازماندهی حوزه مأموریت خود و سایر عرصه های سیاسی داخلی (مانند ارتباط با مردم و رعایت حقوق آنها) و بیرونی (مانند مسائل جهانی و بین المللی) به انجام وظایف و مسئولیت های خود عمل کنند.

۳. یافته ها

۳-۱. اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه

۳-۱-۱. رساندن انسان به آزاد اندیشی

آزادی یکی از آرمان های فطری انسان است که در طول تاریخ مورد توجه انسان ها بوده است. رهایی از مفاهیم انتزاعی و ذهنی است، مانند مفاهیم فلسفی که هرکس با توجه به مبانی نظری خود آن را مشخص کرده و مرزی برای آن ترسیم کرده است.

یکی از ساده ترین و حساس ترین جنبه های آزادی این است که انسان می تواند هر نوع فکر و اندیشه ای اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی، مذهبی و... را انتخاب کند و بپذیرد. او مختار است هر آنچه را که از حقیقت روح و اندیشه او سرچشمه می گیرد، بدون هیچ احساس نگرانی و ترس انتخاب و بیان کند (ولایی، ۱۳۷۷).

امام علی (ع) می فرماید: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا»: «امام علی (ع) می فرماید: «خداوند تو را آزاد آفریده، بنده دیگران مباش» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۳۷۸). بر اساس آموزه های مکتب علوی همه انسان ها آزادند و هرگز نباید اسیر و بردگی دیگران شوند.

نظر محقق: امام (ع) در این گفتار حکیمانه به مسئله مطلق آزادی بخصوص آزاد اندیشی و سعه صدر در مسائل علمی اشاره می کند که از حدود ۱۴۰۰ سال پیش برای ما به یادگار مانده است؛ آن روز که نه سخنی از آزاد اندیشی بود و نه حریت در بررسی آراء و نه احترام به افکار دیگران.

۳-۱-۲. ایجاد امنیت و صلح

۳-۱-۲-۱. امنیت

در فرهنگ، امنیت را «در معرض خطر قرار ندادن یا از خطر مصون ماندن» تعریف می کنند (دهخدا، ۱۳۷۷). امنیت نیز «رهایی از شک، رهایی از اضطراب و ترس و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند» است. (دهخدا، ۱۳۷۷). امنیت به طور گسترده در مفهومی به کار می رود که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامت و موقعیت های دیگر اشاره دارد که در آن فرد یا گروهی از افراد احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدید می کنند. علل داخلی یا خارجی دارند (میرعرب، ۱۳۷۹). امام علی (ع) یکی از انگیزه های قیام صالحان را امنیت در جامعه می داند و می فرماید: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الْاِذَى كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ ، و لا التَّماسَ شَيْءٍ مِنْ قُضُولِ الْحُطَامِ ، و لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ ، و نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ ، و تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»: «خدا یا تو می دانی که آن که مال من بود در سلطنت رقیب نیست و از خدا چیزی نمی خواهد. اما نشانه های حق و دین تو را می خواستیم. به جای خود بازگردید و در سرزمین خود اصلاح کنید تا بندگان مظلوم شما در آرامش زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده شما دوباره اجرا شوند. (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۱۷۴).

نظر محقق: به اعتقاد امام (ع) رفاه زندگی مردم در سایه امنیت ایجاد می‌شود، دولت و مردم باید در جست و جوی سازوکارهایی برای تامین آن برآیند چرا که هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست، و اگر امنیت نباشد گویی عیشی و عمرانی و تمدنی نیست؛ چرا که از نظر ایشان بدترین شهرها شهری است که فاقد امنیت است.

۳-۲-۱. صلح

«اهل لسان در معنای این کلمه اختلاف دارند، بعضی می‌گویند برخی می‌گویند «سلم» به کسر «سین» به معنای «صلح» بوده، و به فتح «سین» معنایش «تسلیم» و «اطاعت» است. بعضی گفته‌اند: فتح «سین» به معنای صلح است و به کسر «سین»، «اسلام» است» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶۳). سلم یا سلم در لغت نامه‌ها در معانی‌هایی از آفات ظاهری و باطنی، صلح، ضد جنگ و اسلام تعریف شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۴۴). راغب اصفهانی «آن را در نجات از عیب و روی گرداندن از بلاها» در مفردات تعریف کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۲۱): و تطبیق آن بر اسلام و ولایت و مانند آن از مصداق اقتباس تشبیهی است نه تفسیر و تقابل مفهومی. با جنگ است در تعبیری چون «سَلِمَ لِمَنْ سَأَلَکُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ» گسترش معنای سازش، صلح، وفاق و اتحاد را از این واژه نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ۲۶۵).

حضرت علی (علیه السلام) قبل از ورود به شهر نزدیک کوفه به خوارج که داستان حکمیت را نپذیرفتند، پاسخ داد، فرمود: «فإنما فعلت ذلک لیتبین الجاهل، و یتثبت العالم، و لعل الله أن یصلح فی هذه الهدنة أمر هذه الأمة، ولا تؤخذ بأکظامها، فتعجل عن تبیین الحق، و تنقاد لأول الغی»: این کار را کردم تا جاهل خطای خود را بشناسد و عاقل بر نظر او ثابت قدم بماند و شاید در این دوران آشتی و صلح، خداوند کار کند. تصحیح کند و راه تحقیق و شناخت حقیقت را بگشاید تا در جست و جوی حقیقت بشتابند و تسلیم نخستین فکر گمراه نشوند» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۱۶۶).

نظر محقق: اینکه انسان امروزی به خود آمده و متوجه شده که می‌تواند در کمال صلح و صفا زیست نماید؛ هیچ جای شگفتی نیست چرا که تازه معنای انسانیت را فهمیده است و تازه به فطرت خداجویی که خداوند در درون هر انسان به ودیعت نهاده پی برده است، در صورتی که امام (ع) در موارد مختلف به صلح اشاره کرده و فلسفه آن را آسودگی لشکریان و آسایش اندوهها و آسودگی و امنیت برای شهرها بیان نموده است.

۳-۲-۱. پرورش روح عدالت‌خواهی

«عدل» در لغت به معنای «دادن» و «انصاف» و «تساوی» است و عدالت به معنای «دادگری» و نقطه مقابل «ظلم» است (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «عدل هر چیزی را سر جای خود قرار می‌دهد» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۵۲۶). تعادل در کار و دور بودن از افراط و تفریط، در اهمیت عدالت همین بس که خداوند انگیزه بعثت پیامبران را اقامه عدل می‌داند: «حدید، ۲۵».

نظر محقق: سراسر نهج‌البلاغه به خوبی بیانگر این موضوع است که امیرالمومنین (ع) تنها آسیبی را که در مواجهه با آن هرگز مسامحه نکرد، و برای آن همه‌ی حوادث و ناملایمات سیاسی را به جان خرید و سرانجام جان خویش را نثار آن کرد اصرار بر اجرای عدالت بود؛ بارزترین مفهوم در نظام فکری علوی تحقق عدالت

بود، این اهمیت بدان جهت است که ایشان، یکی از دلایل اصلی پذیرش حکومت را برقراری و توازن و از بین بردن شکاف‌ها بیان می‌کنند و عدالت را مایه قوام هر چیز و معیاری است که همه چیز بدان به درستی برپا می‌گردد و همه چیز با آن آزموده می‌شود.

۳-۴-۱. توسعه آموزش و پرورش

امام علی (ع) دانش را زیربنای همه خوبی‌ها و موفقیت‌های مادی و معنوی و معیار ارزیابی انسان می‌دانست. به نظر او تربیت صحیح پایه و اساس همه سعادت‌هاست و همه چیز در سایه تربیت صحیح اداره می‌شود. ایشان در حکمت ۱۴۷ خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرماید: «مردم سه گروه هستند: دانشمند الهی، دانش طلبان بر راه نجات و پشه‌های خوش باد و طوفان و همیشه سرگردانی که هر صدایی را دنبال می‌کنند و به سوی هر بادی متمایل می‌شوند نه از روشنایی دانش بهره‌گرفتند و نه به ستون محکمی پناه بردند» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۴۷۰). و همچنین آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «هیچ افتخاری مانند دانش نیست» (عزیزی، ۱۳۸۴: ۸۷).

نظر محقق: امام علی (ع) در این گفتار حکیمانه راه رستگاری را برای عالمان ربانی و دانش طلبان بر راه نجات دانسته و گروه سوم را افراد بی‌سروپا و بی‌ارزش قلمداد نموده چرا که این گروه نادان، و بی‌خبر، دنبال هر کسی بدون مطالعه حرکت می‌کنند تنها هدفشان منافع مادی است نه نور علم و تقوا بر قلوبشان تابیده نه معرفتی نسبت به مبدا و معاد دارند کسانی که مدیران فاسد همیشه از آن‌ها در مسیر مقاصد شوم خود بهره می‌برند.

۴-۱-۴. اصول تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع)

۴-۱-۱. صداقت در عرصه سیاست

صداقت را می‌توان اساسی‌ترین اصل سیاست‌های مدیریتی حضرت علی دانست. اگر صداقت از مجموعه اقدامات و رویارویی سیاستمداران با مردم حذف شود، عدالت، قانون‌مداری، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و... بی‌معنا خواهد بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹).

«لولا کراهیه الغدر لکننت من ادهی الناس ولكن کل غدره فجره و کل فجره کفره:» «اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۴۲۲). در اندیشه سیاسی اسلام، حاکمان نباید از جهل مردم سوء استفاده کنند، یا به خاطر مصالح خود، حقایق را بپوشانند، یا از گفتن حقایقی که برای خود مضر است، خودداری کنند (علیخانی، ۱۳۸۲).

نظر محقق: امام (ع) در گفتار بالا به صراحت اعتقاد راسخ خود به پیوستگی اخلاق و سیاست را بیان داشته و عدم صداقت را در خطبه ۴۱ معلول فراموشی قیامت و معاد دانسته و خودش حاضر نشد ننگ مبادله اخلاق با قدرت را بر پیشانی خویش بچسباند و مدام می‌فرمود: ای مردم وفاداری همزاد راستی و صداقت است و من سپری محافظ‌تر از آن را نمی‌شناسم یعنی اگر از مردم انتظار وفاداری هست باید با آنان صادق بود و بهترین پشتیبان حکومت صداقت حاکمان با مردم است.

۲-۴. اصل مسئولیت در عرصه سیاست

مسئولیت مصدری، جعلی از سؤال به معنای پاسخگویی، به عهده شخصی است که عهده دار امری است و در صورت تخلف، پاسخگو خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۹). عنصر اصلی در شخصیت انسان که او را از حیوانات متمایز می کند، احساس تعهد به حق و فضیلت است. شرافت انسان در وجود او منشأ احساس مسئولیت در پیشگاه خداوند است (توسلی، ۱۳۸۰). امام علی (علیه السلام) می فرماید: «السلطان ولی الله فی الارضه»: «حاکم اسلام ولی خدا در زمینش است» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۷۰۸). وظیفه، قانون و مسئولیت قانونی، افتخار بزرگی است که انسان بتواند حقی را به عهده بگیرد و تکلیفی را به دوش بگیرد» (مطهری، ۱۳۷۸).

حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ خود امام حسن (ع) را در مورد چهار ارزش مهم، که در واقع مسئولیت های اجتماعی است توصیه می کند: امر به معروف و نهی از منکر؛ تحمل سختی ها و مشکلات در راه حق و در راه جهاد در راه خدا؛ کمک به فقرا؛ قرض الحسنه (ماندگار، ۱۳۷۹).

نظر محقق: از نظر ایشان مسئولیت و سیاست لازم ملزوم یکدیگرند و کسی که سیاست را پذیرفت به ناچار باید به مسئولیت آن نیز گردن نهد، و سیاست بدون مسئولیت تبعات فراوانی در ابعاد مختلف جامعه اسلامی دارد. برای همان هست که حضرت می فرماید: (المسئول حر حتی یعد): انسان تا وعده نداده آزاد است. سیاست نیز یک وعده است که بناچار باید به آن پایبند بود.

۳-۴. اصل شایسته سالاری در عرصه سیاست

در فرهنگ سنتی عرب، شایستگی ها جایگاهی در عزل و نصب نداشتند، بلکه نژاد، خون و تعلق به قبیله بود که بیشترین دخالت را در موقعیت های اجتماعی و سیاسی داشت (ماندگار، ۱۳۷۹).

امام علی (ع) این بزرگ مکتبی نیز در گفتار و رفتار خود بر این ویژگی تأکید می کرد. حضرت در سخنی می فرماید: «ای مردم، سزاوارترین مردم برای خلافت و امامت امت، تواناترین آنها در اداره آن و داناترین آنها در فهم مسائل به فرمان خداوند است». (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۵۶۳).

نظر محقق: از این روایت باید این معیار را استنباط کرد که در همه امور مربوط به حکومت، از رأس آن که رهبر ملت است تا پایین ترین مسئولیت ها، باید شایستگی محور باشد.

۴-۴. اصل وفای به عهد در فعالیت های سیاسی

این اصل از مبنای اخلاقی مورد تأیید عقل و مورد تأکید اسلام است. اما مدتهاست که صاحبان قدرت و ثروت این اصل اخلاقی را در میدان رقابت در عرصه سیاست فراموش کرده و عهد شکنی می کنند. اما حضرت علی (ع) حتی به قیمت شکست در عرصه تصرف قدرت به آن پایبند بود. (لنکرانی، ۱۳۷۹: ۵۲۸). امام علی علیه السلام در مورد وفای به عهد می فرماید: «ای مردم! وفاداری قرینه صداقت است (و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند) و من سپر قوی تر و محافظ تر از آن نمی شناسم. کسی که از معاد آگاه است، هرگز عقد را بر هم نمی زند» (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۳۸۶، ۴۴۷).

نظر محقق: پایبندی به عهد و پیمان یکی از اصول مهم دینی و اخلاقی است که عدم رعایت آن موجب سلب اعتماد در جامعه می شود و با زوال اعتماد، پیوندهای افراد جامعه از هم گسسته می شود و زندگی اجتماعی انسان که به رفع نیازهای مادی می انجامد و همچنین معنویت انسان در معرض تهدید قرار می گیرد و انسان در پرتو زندگی جمعی به کمالی که شایسته آن است نمی رسد.

۴-۵. اصل مدارا در عرصه سیاست

«مفهوم مدارا در عرصه های دینی، سیاسی و اجتماعی یکی از موضوعات جدید در فرهنگ اسلامی است و به معنای خویشن داری نسبت به عقاید مخالف یا مجاز دانستن آگاهانه به اعمال یا عقایدی است که مورد قبول انسان نیست؛ اما با وجود توانایی مقاومت یا به آن اعتراض کند، به دلیل احترام به افکار و عقاید دیگران از انجام آن خودداری می کند.» (حسنی، ۱۳۷۹: ۴۴۳)

امام علی (علیه السلام) در نامه ۴۶ نهج البلاغه خود به مالک اشتر می فرماید: «هر جا که بردباری بهتر است آن را تحمل کن و آن جا که هست جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۵۵۸) نظر محقق: امام علی (ع) در حکومت خود هرگز به ارباب و ایجاد رعب و وحشت علیه متخلفان متوسل نشد. آن حضرت معتقد بود که مدارا با مخالفان از شدت آنها می کاهد و زمینه های صحنه سازی و فضا سازی را از آنها می گیرد. و همین مدارا و محبت است که سبب تملیک قلوب و جذب دل های رمیده می گردد.

۴-۶. اصل ظلم ستیزی در عرصه سیاست

امام علی (ع) در بخشی از سخنان خود به بحث ظلم ستیزی که یکی از مراتب آن ترک امر به معروف و نهی از منکر است اشاره، و این اصل را عامل اساسی سقوط تمدن ها می داند.

«... لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولي عليكم اشراركم» (عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۱، ۷۸) (امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که تبهکاران بر شما چیره می شوند). نه تنها ترک ظلم و مرگ تفکر عدالت خواهانه به سلطه شر و ظالمان بر جامعه می انجامد، بلکه شرع و دین (و در واقع تفکر دینی و مذهبی) قوام و شالوده در نتیجه قدرت پویایی خود را از دست می دهد. امام علی (ع) در این رابطه می فرماید: «قوام و جوهره وجودی شریعت، امر به معروف و نهی از منکر است» (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۴، ۵۱۸).

نظر محقق: استبداد ستیزی نیز یکی از اصول تربیت سیاسی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه بر آن تاکید فراوانی داشته است. مرگ تفکر ظلم ستیزی و عدالت اسلامی یکی از بزرگترین عوامل انحطاط جوامع بشری این است که طرز فکر مردم و جامعه در مبارزه و مقابله با ظلم و طرز تفکر آنها به عدالت و عدالت خواهی می میرد. در این صورت جامعه تسلیم ظلم می شود و ظلم را می پذیرد و لذا بد و بدترین افراد بر جامعه مسلط می شوند.

۴-۷. اصل وحدت، ضرورت راهبردی امت اسلام

«وحدت» یکی از رموز تداوم حیات جامعه اسلامی، اقامه دین و حفظ آن است. زندگی انسان شریف از دیدگاه اسلام در سایه وحدت و انسجام اجتماعی است که فراهم خواهد شد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «پس بدان در امت اسلام، هیچ‌کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد(ص) و به انس گرفتن آنان به همدیگر از من دلسوزتر باشد. در این کار از خداوند اجر نیکو و عاقبتی شایسته می‌خواهم» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۶۱۸).

۵. روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی(ع)

۵-۱. آگاهی مردم در نهج البلاغه

روایات بسیاری نشان می‌دهد که حاکم اسلامی وظیفه دارد حدود اسلام و ایمان را به مردم بیاموزد. بر امام است که گستره اسلام و ایمان را به مردم ولایت خود بیاموزد (آمدی، ۱۳۷۳: ۴۵۳). آگاهی دینی مردم را بالا ببرید و راهنمایی‌های لازم را برای پیمودن مسیر رشد و کمال به آنها ارائه دهد. از سوی دیگر، از آنجایی که هدف اسلام، رسیدن به کمالات انسانی است، برای رسیدن به کمال، باید از دستورات دین مطلع شد. هر حکومتی خود را مسئول پیشرفت و ترقی افراد جامعه می‌داند و رشد و پیشرفت واقعی از نظر دینی رسیدن به آخرت است. حکومت اسلامی به فکر تأمین سعادت اخروی مردم جامعه خود است. انسان برای زندگی نیاز به آگاهی و راهنمایی فراوان دارد؛ از آنجایی که او در معرض غفلت و خودخواهی است، بسیاری از حقایق از او پنهان مانده است. امام علی علیه السلام در وصیت به مالک اشتر می‌فرماید: «با دانشمندان، بسیار بحث کنید که منشأ توسعه و اصلاح شهرها و برقراری نظم و آبادانی است که در گذشته وجود داشته است» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۵۷۳).

نظر محقق: امام(ع) یکی از وظایف حکومت اسلامی را تعلیم و آگاهی بخشیدن به مردم دانسته و می‌فرماید: و تعلیمکم کیلا تجهلوا: تعلیم و تربیت بصورت فراگیر، و فراهم نمودن امکانات پیشرفت به سوی مدارج عالی در تمامی زمینه‌ها از وظایف حکومت است. و هرگونه عقب افتادگی ملتها معلول بی توجهی دولتها به بحث آگاهی و تعلیم است که عدم توجه به این اصل زمینه ساز بسیاری از گناهان و جرایم در جامعه اسلامی خواهد شد.

۵-۲. روش محبت در نهج البلاغه

«محبت» یکی از فضایل اخلاقی است که پایه‌های روابط اجتماعی افراد جامعه را مستحکم می‌کند و رابطه حاکم و فرمان‌برداران را نیز تقویت می‌کند؛ چه می‌شود که اگر رابطه حاکم و فرمانروا بر اساس عشق باشد، دوام حکومت حاکم را تضمین می‌کند. امام علی (علیه السلام) در مورد محبت و دوستی می‌فرماید: «التوداد نیمی از عقل است»: «اظهار محبت و دوستی نیمی از حکمت است» (نهج البلاغه: ۱۳۷۹: ۶۵۸).

نظر محقق: یکی از روشهای تربیتی که امام در حکمت بالا اشاره کرده اصل محبت است و در حکمت ۵۰ نهج البلاغه به چرایی آن پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: (قلوب الرجال وحشیه فمن تالفها اقبلت علیه). دل‌های مردم

گریزان است به کسی روی می آورد که محبت کند. وبه وسیله همین محبت است که انسان قلوب مردم را تملیک می کند. بقول شاعر

دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ
ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ
دانی که پس از عمر چه ماند
مهر است و محبت است و باقی همه هیچ

۵-۳. روش تشویق و تنبیه در نهج البلاغه

«تشویق و تنبیه منحصر به نظام تعلیم و تربیت نیست، بلکه اهمیت آن به حدی است که هیچ سیاست و برنامه ریزی، چه در جامعه کوچک و چه در یک کشور پهناور، بدون این دو عنصر کارساز نخواهد بود و اساساً نظام آفرینش بر مبنای «تشویق» و «تنبیه» استوار است. (ولی زاده، ۱۳۸۴).

اسلام به مجازات نگاه ویژه ای دارد که عاری از هرگونه افراط و تفریط است و در حد معتدل، مجازات را در مواردی به صورت محدود، اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شرایط می پذیرد. حضرت علی (ع) به دلیل اهمیتی که برای سرنوشت مردم قائل بود و حساسیت خاصی که نسبت به کسانی که جان و مال مردم را برعهده داشتند، همواره بر اعمال مأموران با کمال نرمی و مهربانی و با هشدار، آن ها را از خیانت برحذر داشتند (نهج البلاغه: نامه، ۳۴).

نظر محقق: جامعه اسلامی حاکم نمی تواند نسبت به رفتار همکاران، معاونان و کارگزاران خود بی تفاوت باشد. باید از عملکرد افراد با فضیلت و مردمی قدردانی کرد و افراد نالایق و منحرف را برحذر داشت و در برابر هر یک از آنها موضع مناسب گرفت.

۵-۴. روش نظارت در نهج البلاغه

برای پیشبرد اهداف دولت، نظارت حقوقی متقابل بین دولت و ملت ضروری است که در راستای اجرای صحیح قوانین و احقاق حقوق دولت و ملت صورت می گیرد، در واقع ارتباط اصولی و معقول بین حاکمان و مردم و بالعکس در ارتقای دین، توسعه کشور و امور اصلاحی نقش سازنده ای دارد. تقریباً تمام سخنان حضرت علی (ع) که در امر به معروف و نهی از منکر آمده، مصداق بارز این روش است. امر به معروف و نهی از منکر این امکان را به مردم می دهد که در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود دخالت کرده و پیشرفت آنها را دنبال کنند. مفهوم چنین سخنی این است که اگر این نظارت توسط مردم صورت نگیرد، افراد شرور و بدکار به قدرت می رسند. تربیت سیاسی کارگزاران نیز از طریق نظارت و مراقبت از شیوه های تربیتی آن حضرت می باشد (حسنی، ۱۳۷۹: ۴۴۳).

نظر محقق: نظارت یکی از وظایف اصلی حاکم اسلامی در عرصه های مختلف حکومتی برای ارزیابی عملکرد و برنامه های نهادهای زیرمجموعه و بازبایی نقاط قوت و ضعف آنهاست. نظارت عامل بازدارنده در برابر انحراف

و عقب ماندگی دلالتان و اعتدال و تنظیم صحیح و اصولی آنهاست. و باعث مدیریت صحیح جامعه اسلامی می شود.

۵-۵. روش امانت داری در نهج البلاغه

هرکس در هر پست مدیریتی، امانتدار مردم است و باید از مال، آبرو، حیثیت و ناموس مردم محافظت کند. در این زمینه امام علی (ع) به مالک شتر دستور می دهد که به شخصی که می خواهد انتخاب کند توجه کند و با بررسی سوابق و عملکرد گذشته آنها ببیند که آیا آنها مورد اعتماد هستند یا خیر. به عبارت دیگر، بر اساس اندیشه سیاسی امام علی (ع)، امانتداری از ویژگی های بارز کارگزاران حکومت است. هر چه به آنان داده شود اعم از مناصب و اموال، مال عموم ملت است و مدتی نزد آنان امانت است؛ بنابراین، هر یک از مقامات حکومتی وظیفه دارند از امانت های مردم به خوبی محافظت کنند، و از آنها در جهت منافع مادی و معنوی خود استفاده کنند (خوانساری، ج ۴، ص ۴۷).

نظر محقق: امانت داری یعنی احساس مسئولیت و عزم را جزم کردن و آماده شدن برای سپردن آن امانت به صاحب اصلی آن (ان الله یامرکم بالامانات الی اهلها) چه در مقیاس کوچک یا بزرگتر مثل جامعه باشد. نتیجه امانت داری صلح و صفا و امنیت در جامعه و عدم آن (خیانت در امانت) باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه خواهد شد.

۶. تحلیل خطبه های نهج البلاغه در زمینه تربیت

۶-۱. مبانی اخلاقی و تربیتی در خطبه های نهج البلاغه

خطبه های نهج البلاغه سرشار از آموزه های اخلاقی و تربیتی هستند که می توانند به عنوان پایه های سیاست های تربیتی در نظام اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. امام علی (ع) در بسیاری از خطبه های خود بر اهمیت فضایل اخلاقی همچون صداقت، عدالت، و تقوا تأکید کرده اند. این مفاهیم می توانند به عنوان اصول اساسی در تربیت اسلامی و تدوین سیاست های مرتبط با آن مورد استفاده قرار گیرند.

۶-۲. عدالت

یکی از اصول محوری در نهج البلاغه است که امام علی (ع) بارها بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. عدالت نه تنها به عنوان یک فضیلت فردی بلکه به عنوان یک اصل اجتماعی که باید در تمامی سطوح جامعه برقرار باشد، مطرح شده است. این اصل می‌تواند در تدوین سیاست‌های تربیتی برای تربیت انسان‌های عادل و پایبند به حقوق دیگران نقش اساسی داشته باشد.

۶-۳. تقوا

تقوا به معنای پرهیزکاری و حفظ حدود الهی، یکی دیگر از مفاهیم اساسی در نهج البلاغه است. امام علی (ع) تقوا را به عنوان شرط لازم برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. تقویت تقوا در افراد می‌تواند به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

۷. نقش تربیت در عدالت اجتماعی

یکی از ویژگی‌های برجسته خطبه‌های نهج البلاغه، تأکید بر عدالت اجتماعی است. امام علی (ع) در دوران حکومت خود تلاش بسیاری برای برقراری عدالت اجتماعی انجام دادند و در خطبه‌های خود نیز بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. تربیت انسان‌ها بر اساس عدالت اجتماعی می‌تواند به برقراری یک جامعه عادلانه و پایدار کمک کند. سیاست‌های تربیتی که بر اساس نهج البلاغه تدوین می‌شوند، باید به تربیت افرادی بپردازند که به عدالت اجتماعی پایبند باشند و در راستای تحقق آن تلاش کنند.

۷-۱. تربیت سیاسی و اجتماعی در نهج البلاغه

امام علی (ع) در نهج البلاغه بر اهمیت تربیت سیاسی و اجتماعی افراد تأکید کرده‌اند. این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان و دانشجویان با مفاهیم اصلی نهج البلاغه آشنا شوند و بتوانند آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار گیرند.

۷-۲. ایجاد نهادهای تربیتی تخصصی با محوریت نهج البلاغه

برای اجرای مؤثر سیاست‌های تربیتی مبتنی بر نهج البلاغه، پیشنهاد می‌شود که نهادهای تربیتی تخصصی با محوریت آموزه‌های نهج البلاغه ایجاد شوند. این نهادها می‌توانند به عنوان مراکز آموزشی و تربیتی برای آموزش معلمان، مدیران و مربیان تربیتی فعالیت کنند و در تدوین و اجرای برنامه‌های تربیتی نقش‌آفرینی کنند.

۷-۳. پژوهش‌های بیشتر در زمینه تربیت اسلامی با رویکرد فقه حکومتی

برای تدوین سیاست‌های تربیتی جامع و کارآمد، نیاز است که پژوهش‌های بیشتری در زمینه تربیت اسلامی با رویکرد فقه حکومتی انجام شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به بررسی ابعاد مختلف تربیت در اسلام و استخراج راهبردهای عملی از آموزه‌های اسلامی کمک کنند.

۷-۴. برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی:

به منظور ارتقاء سطح آگاهی عمومی و تخصصی نسبت به آموزه‌های نهج البلاغه و نقش آن‌ها در تربیت اسلامی، پیشنهاد می‌شود که همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی با مشارکت دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی

برگزار شود. این برنامه‌ها می‌توانند به تبادل نظر و تجربه بین محققان و متخصصان در زمینه تربیت اسلامی کمک کنند و زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های تربیتی کارآمدتر باشند.

۷-۵. استفاده از رسانه‌های جمعی برای ترویج آموزه‌های نهج‌البلاغه:

رسانه‌های جمعی نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تربیت نسل‌های جدید دارند. پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های نهج‌البلاغه به‌عنوان بخشی از محتوای رسانه‌های جمعی در قالب برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، و محتوای دیجیتال مورد استفاده قرار گیرد. این اقدام می‌تواند به ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه کمک کند. با اجرای این پیشنهادها، می‌توان از ظرفیت‌های نهج‌البلاغه برای تدوین سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی بهره‌برداری کرد و گامی مؤثر در جهت تحقق اهداف تربیتی اسلامی برداشت. این اقدامات می‌توانند به تربیت نسلی مؤمن، مسئولیت‌پذیر و عدالت‌گرا کمک کنند که بتواند در جهت توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی نقش‌آفرینی کند.

۸. نتیجه‌گیری

خطبه‌های نهج‌البلاغه که از سخنان و خطابات امام علی (ع) تشکیل شده‌اند، از جایگاه ویژه‌ای در میان منابع اسلامی برخوردارند و می‌توانند به‌عنوان یک منبع غنی و جامع برای تدوین سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. تحلیل محتوای این خطبه‌ها نشان می‌دهد که اصول اخلاقی، اجتماعی و دینی مطرح‌شده در آن‌ها می‌توانند به‌عنوان مبانی اصلی سیاست‌های تربیتی اسلامی به کار گرفته شوند. در این مقاله، به بررسی مبانی نظری تربیت اسلامی پرداخته شد و نقش فقه حکومتی در تدوین سیاست‌های تربیتی مورد بحث قرار گرفت. سپس آموزه‌های تربیتی نهج‌البلاغه در زمینه‌های اخلاقی، عدالت اجتماعی، و تربیت سیاسی و اجتماعی تحلیل شد. نتایج این تحلیل‌ها نشان داد که خطبه‌های نهج‌البلاغه حاوی مفاهیم اساسی و کلیدی هستند که می‌توانند به‌عنوان راهنماهای عملی در تدوین سیاست‌های تربیتی یک نظام اسلامی با رویکرد فقه حکومتی مورد استفاده قرار گیرند. پیشنهادات با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادات زیر برای به‌کارگیری آموزه‌های نهج‌البلاغه در تدوین سیاست‌های تربیتی ارائه می‌شود: تدوین و تبیین سیاست‌های تربیتی بر اساس عدالت: با توجه به تأکید امام علی (ع) بر عدالت به‌عنوان یک اصل محوری در نهج‌البلاغه، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های تربیتی در نظام اسلامی بر پایه عدالت تدوین شود. این سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که عدالت در همه ابعاد تربیتی، از جمله عدالت در دسترسی به منابع آموزشی و تربیتی، عدالت در تربیت اجتماعی و سیاسی، و عدالت در تربیت اخلاقی و معنوی رعایت شود. گنجاندن آموزه‌های نهج‌البلاغه در برنامه‌های درسی: به‌منظور ترویج آموزه‌های نهج‌البلاغه و بهره‌گیری از آن‌ها در تربیت نسل‌های آینده، پیشنهاد می‌شود که این آموزه‌ها در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها گنجانده شوند.

۹. پیشنهادات

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، در این بخش به برخی پیشنهادات عملی برای تدوین سیاست‌های تربیتی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه و فقه حکومتی پرداخته می‌شود.

۱. ایجاد نهادهای تربیتی بر اساس اصول اسلامی
- نظام اسلامی می‌تواند نهادهای تربیتی ایجاد کند که بر اساس اصول اسلامی و آموزه‌های نهج‌البلاغه فعالیت کنند. این نهادها می‌توانند نقش مهمی در تربیت نسل‌های آینده ایفا کنند.
۲. تدوین کتب درسی با محوریت نهج‌البلاغه
- تدوین کتب درسی با محوریت آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌تواند
- روش معرفی نهج‌البلاغه و آموزش آن، که با توضیحاتی در باره ضرورت پردازش نوین به منابع روایی و شناخت ویژگی‌های نهج‌البلاغه جهت ارائه طرح آموزش و تربیت پیشنهاد گردد.

منابع

- قرآن مجید
- نهج‌البلاغه
- ابن منظور، محمد مکرم؛ لسان العرب. ج ۵. بیروت: دارصادر. ۱۴۱۶
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۳، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ش
- ابوطالبی، مهدی؛ تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ۱۳۸۳
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه. ۱۳۷۰
- پورطهماسبی سیاوش، تاجور آذر. حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه. پژوهش نامه علوی ۱۳۹۰؛ ۲(۲): ۱-۲۳.
- توسلی، حسین؛ فلسفه حق در اندیشه سیاسی آیت اله مطهری. فصلنامه علوم سیاسی. قم: مؤسسه: آموزشی باقرالعلوم. ش ۱۳؛ ۱۳۸۰
- حسنی، محمد؛ درآمدی بر مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع). مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام و امام علی (ع). انتشارات تربیت اسلامی: ۱۳۷۹.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد؛ شرح غرر الحکم و دررالکلم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰
- نهج‌البلاغه: محمد؛ ترجمه نهج‌البلاغه حضرت امیر(ع). قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع). ۱۳۷۹
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ ماه مهرپرور، تربیت در نهج‌البلاغه. چ دوم. تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان ۱۳۷۸
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ حکومت حکمت؛ تهران: دریا، ۱۳۷۹ ش.

- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه. چ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۷.
- شبانی، ملیحه؛ «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، «مجله جامعه‌شناسی». ۱۳۸۱.
- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، به تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۱۱.
- عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح و ترجمه محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۱۸.
- عزیزی، عباس؛ نهج البلاغه موضوعی. چ ششم. تهران: انتشارات صلاه. ۱۳۸۴.
- علاقه بند، علی؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش. چ سوم. تهران: انتشارات بعثت. ۱۳۷۵.
- علیخانی، علی اکبر؛ اخلاق و سیاست در نگرش و روش امام علی(ع). فصلنامه علوم سیاسی. ش ۱۳۸۲، ۲۳
- فالکس، کیث، شهروندی ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران: کویر. 1381
- قالیباف، محمدباقر و موسی پور موسوی «شهرهای جهان اسلام و رویارویی با نوگرایی (مدرنیسم)» ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصاد، ی س ۲۱، ش ۹ و ۱۰. ۱۳۸۶.
- قائمی، علی؛ تربیت سیاسی کودک. تهران: انتشارات شفق ۱۳۶۲.
- قلی پور ثانی، محسن؛ روشنفکران. نشریه مردم سالاری. ش ۲. سال اول: ۲ تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. ۱۳۸۰
- گوستافسون، پر؛ جهانی شدن، چندفرهنگی و فردگرایی: بحث سوئدی در مورد ۲۰۰۲.
- لنکرانی، محمد فاضل؛ آیین کشور داری از دیدگاه امام علی (ع). تقریر حسین کریمی. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۹
- ماندگار، محمد مهدی «نهج البلاغه و مبانی خط مشی گذاری در حکومت» فصلنامه علوم سیاسی. ش ۸۱ تا ۸۴: ۱۳۷۹.
- ماندگار، محمد مهدی؛ خط مشهای سیاسی نهج البلاغه؛ قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). سیاست نامه امام علی (ع). ترجمه مهدی مهریزی. تهران: انتشارات دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد؛ سیاست نامه امام علی (علیه السلام)؛ ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
- مطهری، مرتضی؛ حکمت ها و اندرزها. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج البلاغه)؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
- مهر پور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق، نشر تهران: اطلاعات، ۱۳۷۷.

- موسوی، ابوالحسن محمد، (سید رضی)، نهج البلاغه، چاپ یازدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، نامه ۳۴، ص ۵۲۴.
- میر عرب، مهرداد ؛ «نیم نگاهی به مفهوم امنیت ترجمه سید عبدالقیوم سجادی». فصلنامه علوم سیاسی. قم مؤسسه آموزشی باقرالعلوم. ش ۱۳۷۹، ۹.
- نقی زاده، محمد ؛ «نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایرانی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی س ۱۷، ش ۳ و ۵. ۱۳۸۱
- ولایی، عیسی ؛ مبانی سیاست در اسلام. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۷
- ولی زاده، مراد ؛ تبیین ویژگی ها، چالش ها و پیامدهای مربوط به روش های تربیتی تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۸۴